

# ری از گذشته خود سخن می گوید

## وضعیت جغرافیایی ری

اولیه اسلام یعنی پس از تسخیر ری توسط مسلمانان بدان اطلاق شده . ( ۱ )

تمدن " چشمه علی " که یکی از مراکز اولیه اجتماعات قبل از تاریخی شهر ری است ، به تدریج در دورانهای بعد وسعت یافته به طوری که در هزاره دوم و سوم ق م گسترش بیشتری پیدا کرده و مراکز قبل از تاریخی دیگری در اطراف آن به وجود آمد . شهرری در هزاره اول ق م به صورت شهر مهمی در سر راه شرق و غرب قرار گرفت و به نام راگا Raga معروف گردید . ( ۲ )

طاهرا " بنای شهر ری به زمانیکه نخستین آریایی ها به نجد ایران روی آوردند می رسد . مثلا " بنا به نوشته کنت دوگوبینو از قرار معلوم شهرهای اولیه آنها ( یعنی آریایی ها ) به شکل قلعه سازی انتخاب شده چنانچه راگای سمارکی یا

از میان رشته کوههای پست و کوتاهی که حلگه تهران را از دشت ری جدا می کند ، چشمه سی با آب فراوان دل صخره را می شکافد و شهرهایی را که در طرفین این رشته بحال واقع شده اند مشروب می سازد . مسیر کلی این رشته آب ابتدا به سوی جنوب ، سپس به سمت جنوب شرقی دشت ری راه می یابد .

آب این چشمه پیر آب که از سالیان دراز دشت جنوب شرقی ری را آبیاری می کرد ، می توانست خود انگیزه گرد همایی مردمی گردد با سفالهایی به رنگ قرمز اخرایی دارای نفوش زیبای سیاه رنگ ملهم از طبیعت که کهنسالی این ناحیه را می رساند . ظروف سفالین مزبور امروزه به نام سفال " چشمه علی " معروف است . نام چشمه علی به احتمال زیاد از قرون

۳۹

شهرری کنونی و شخره محکم (ظاهرا " شهرستانک کنونی) و ارنای مربع ( دماوند امروز ) بر صدق این تصور گواهی مثبت هستند . ( ۳ )

در دوران ماد و هخامنشی و اشکانی و ساسانی شهر ری روز به روز در حال ترقی و توسعه بود و موقعیت ممتاز آن در دامنه کوهستان البرز همیشه نظر جهانگشایان را به سوی خود جلب می نمود . در دوره ساسانی نهری که شهر ری را مشروب می کرد و به طور یقین آب دائمی در آن جاری داشت نهر سورنی یا سورنا می نامیدند .

نهر سورن که آب آن از کوههای البرز و چشمه علی تا مین می شد ، طی قرون متمادی باعث آبادانی ری بود . حتی در اوایل دوران اسلامی هم که این نهر به نام محمدیه معروف شد هنوز رودخانه ای پر آب و قابل استفاده بوده است . ( ۴ ) بعد از حمله مغول به ایران و خراب شدن ری این شهر عظمت گذشته خود را از دست داد و به تدریج رو به خرابی نهاد ولیکن در دو سده دیگر آبادانی و فراوانی و ارجحیت خود را حفظ می کند ؛ اما پس از آن و در طول قرون متمادی متروک می گردد و چنان به قهقرا می رود که تا قرون اخیر تنها به صورت دهی کوچک درمی آید ، که تنها مردمی برای زیارت قبر شاهزاده عبدالعظیم و سایر بقیاع مشرک و یا شکار و تفریح روی به آن می نهادند . اگر زندگی و هستی شهرها را چون زندگی

و حیات انسان هایدانیم ، اکنون ری پیری است کهن ، که باطنین صدایی کوتاه و ضعیف از گذشته باشکوه دور خود سخن می گوید . صدای این پیر بی رفق ، که آخرین نفسهایش را می کشد در زیر ضربات مداوم و کشنده تاریخ و گذشت زمان به لبه نیستی و نابودی کشانده شده است .

ری امروز ، گذشته از چند مکان مذهبی مورد تقدس ، شهرکی است با یکی دو خیابان اسفالتنه بی فواره ، کوجه های گلی و تنگ تودرتو ، و هوایی که از دودکارخانه ها و کوره های آجرپزی و حرکت کامیونها و ترپلی های سنگینی که اکثرا " با گازوئیل می سوزند ، آنرا سیاه ، چرب و غیر قابل تنفس ساخته . از سوی دیگر ، گسترش شهری چون تهران ، این عروس شهرهای اسلامی را به ذلت و بندختی دیگری نشانده و آن جوی های پهن و روبازی است که اکیده از اشغال ها و کثافت ها و لجن ها و زباله های پایتخت است ، یا آبی به سیاهی قمر در آنها جریان دارد . بوی ناخوش آیند این شهر که در هر محله و گوشه و کنار آن به مشام می خورد ، امکان اسکان و استقرار در این شهر از بین برده ، و جز جمعیتی اندک ، بیشتر سکنه ری را کارگران کارخانه ها و کوره پزخانه ها تشکیل می دهند .

ری باستان از زمانهای بسیار دور مورد توجه سیاحان و جغرافی نویسان قرار گرفته بود و به واسطه

نزدیک بودن آن به تهران همواره توجه آن عده<sup>۱</sup> قلیل خارجیانی را که در تهران زندگی می کردند جلب می نمود. به همین سبب بود که قدیمی ترین عکسها و طرحهایی که ازری موجود است و یا در دسترس قرار دارد توسط همین افراد گرفته و تهیه شده است. هر چند در مورد ری باستان مطالب و طرحها و عکسهایی چند حسته گریخته و به شکل پراکنده نوشته و چاپ می شد ولیکن اولین گام در راه شناخت اصولی ری باستان در سالهای ۱۹۳۵ میلادی توسط پیرسور اشمیت از دانشگاه شیکاگو انجام پذیرفت. در اینحا بایستی این نکته را خاطرنشان نمایم که تقریباً در همان زمانی که برای اولین بار بی ریزی اولین کارخانه در محوطه<sup>۲</sup> ری باستان صورت می گرفت، اولین کارحفریات باستانشناسی نیز شروع گردید و مقامات مسئول می توانستند در همان موقع کارخانه را به نقطه<sup>۳</sup> دیگری منتقل نمایند تا اینهمه صدمات حیران ناپذیر به آثار باستانی این منطقه وارد نیاورند. سپس بدون توجه به این امر پشت سرهم در این محوطه کارخانجات عظیم دیگری به وجود آمد که امروزه علاوه بر لطمههایی که به آثار ارزنده ری باستان زده است، منظره بسیار بدی را در داخل شهر نیز ایجاد می نماید.

هیچکس توجهی به این قسمت از تهران که به نام شهر ری می باشد و خود روزی یکی از بزرگترین شهرهای ثروتمند جهان اسلام بوده و تهران به صورت دهی بسیار کوچک و از توابع آن محسوب می گردید، نمود.

خوشبختانه در سه سال اخیر مرکز باستانشناسی ایران بدین امر مهم آگاهی یافت و هیئتی را به این منطقه اعزام کرد. هیئت هر سال مدت ۳ تا ۴ ماه

۱ - ر. ک. مشیرالدوله پیرنیا - کتاب ایران باستان جلد ۳ - صفحه ۲۶۶.

۲ - این شهر کهن در سنگ نبشتهها، کتابها و مقالات و رسایل، به اشکال گوناگون، ولی همه از یک ریشه نوشته شده است. مثلاً "در اوستا، "رغه" Raga، در کتیبه<sup>۴</sup> بیستون "رگا Raga، یا در استون سوم بند اول در کتیبه<sup>۵</sup> بیستون آمده که داریوش گوید: "آنگاه من سپاه پارس را از "رگا" نزد "ویشتاسپ" فرستادم. "، به زبان یونانی "ری" راگویا " راگا Rhaga، در سریانی Rai در زبان ارمنی Re و در پهلوی باستان و مابنه Rai Rayes RAR \* Ray Ragh و در زبان اروپایی Rayes نامیده می شود.

۳ - کنت دوگوستو - تاریخ ایرانیان - صفحه ۱۳

۴ متأسفانه پس از حفریات اشمیت که بیش از ۴ سال ادامه نیافته است حفریات ری رها شد و



شروع به کاوش در این منطقه نموده است و در این مدت علاوه بر کار حفريات مقداری از کار هيئت معظوف به نگهداری بافت قدیم ری می‌گردد. زیرا که شهر ری در فاصله بسیار کمی از تهران قرار گرفته و متأسفانه در اثر عدم توجه سازمانهای مربوط و گسترش روز به روز تهران در جهات مختلف هر لحظه ممکن است در اثر کوچکترین غفلتی این مقدار کمی هم که از بافت ری و آثار آن باقیمانده از بین برود.

شهری و همچنین محوطه ری باستان به واسطه اینکه در اطراف آن کارخانه‌های متعددی قرار گرفته است از نقطه نظر شهرنشینی و تحقیقات باستان‌شناسی موقعیت بدی را دارا می‌باشد و وجود این کارخانه‌ها خدمات بسیاری به آثار باستانی که در اطراف و داخل شهر قرار دارد، وارد ساخته است.

بزرگترین مسئله‌بی که در ری ما با آن مواجه هستیم توسعه روزافزون کارخانه‌های سنگین و کارگاه‌های کوچک و بزرگ است. به دلایل ذیل وجود این تأسیسات سبب لطمه شدید به شهرری و بافت کهن ری می‌گردد:

۱ - منطقه وسیعی که زیر پوشش کارخانه‌های سنگین قرار می‌گیرد و همچنین وجود ماشین‌آلات سنگینی که مورد استفاده و حمل و نقل قرار دارد دائماً باعث تهدید آثار موجود است. در عین حال گریزی از گسترش صنعتی شدن ری نیست، برای مثال می‌توان کارخانه‌های تولیدی سیمان و

سنگ بری و دباغ‌خانه‌ها را نام برد که با مسافت بسیار اندکی که بین ری و تهران وجود دارد، دائماً به خاطر مقرون به صرفه بودن از نظر اقتصادی در حال توسعه می‌باشند.

۲ - وجود همین کارخانه‌ها باعث گسترش واحدهای مسکونی کوچک‌کاری می‌گردد؛ آن‌چنانکه ری اکنون به شکل یک شهر صنعتی بزرگ در آمده است. وجود خانه‌هایی با زیر بناهای کم و جمعیت کثیر که از خصائص خانواده‌های کاریگری است، اسکان دادن آنها در یک محوطه‌بی که در عین حال به کارخانه نزدیک باشد کاری پس‌دشوار و با حداقل از بودجه محدود مرکز باستان‌شناسی خارج است. ضمناً مع محدودیت ساختمانی در خارج از محدوده تهران هم اکنون این مورد را تشدید نموده. کما اینکه در سال گذشته خانه‌های متعددی در چشمه‌علی ساخته شده و در ظرف چند سال آینده وجود آنها برای حفريات چشمه‌علی خود مسئله بزرگی را به وجود خواهد آورد. برای مثال می‌توان برج ظفرل را ذکر نمود که در اوایل همان‌طور که روی عکس‌هایی اشمیت مشخص گردیده است چه وسعتی داشته و در حال حاضر می‌توان گفت در حدود یک پنجم آن باقیمانده است و اگر روزی بخواهند آنرا تغییر دهند و اطراف برج را به صورت یک پارک در آورند مستلزم مخارج بسیار هنگفتی خواهد بود. باقیمانده آثاری

که امروزه از این شهر باستانی موجود است عبارتند از: قسمتی از تپه چشمه علی - قلعه گبری - گنبد انباج - دخمه بودرحمهر - گنبد مرداوینج زیاری - برج طغرل - نقارخانه - بی بی شهربانو - قسمتی از برج و باروی ری و قسمتی از آثار باقیمانده دزاشکان یا رشکان .

باید که با مداومت کار کاوشها و حفریات باستانشناسی درری چهره گرد گرفته این پیردیر کمی زدوده شود و حداقل به خاطر جنبه های مذهبی توجه بیشتری به آن گردد . با اطمینان بسیار ، حال که مرکز باستانشناسی ایران با قدرتی که یارای مقابله با این متجاوزین آثار باستانی را دارد ، بهترین زمان است که در حفظ و نگاهداری یکی دو درصد از آنچه که به جای مانده با همکاری دیگر دستگاههای مسئول مملکتی سخت بکوشد ؛ چه زمان تنگ است و فرصت از دست رفتنی .

### اولین کاوشها

اولین اطلاعاتی که درباره وجود یک تمدن باستانی در اطراف شهر ری به دست آمده عبارت است از نتایج بررسی های هیئتی از فرانسه با شرکت G. Pazard و G. Bondoux که در سالهای ۱۹۰۹ میلادی به ایران آمدند و در اطراف ری و چشمه علی بررسی نمودند (۵) .

در سال ۱۹۳۴ هیئت باستانشناسی دانشگاه شیکاگو به سرپرستی اریح اسمیت اولین تحقیقات عملی باستانشناسی را در این تپه انجام داد . هر چند با فوت سرپرست هیئت این حفاری علمی متوقف گردید و گزارشات آن منتشر نشد ولی بررسی های باستانشناسی بعدی از این تحقیقات علمی نشان داد که تمدن تپه چشمه علی از دو طبقه باستانی IA و IB تشکیل گردیده است که قابل مقایسه با سیلیک II - I می باشد . (۶) سفالهای میکشوفه از این تپه که بالغاب اخرایی بوده است ، مانقوشی از عناصر طبیعی ، مانند درخت ، حیوان ، انسان و غیره و همچنین نقوش هندسی مانند نوارهای زیگزاگومثلشها و غیره تزیین گردیده است .

### دامنه کوه بی بی شهربانو

هیئت بررسی و گمانه زنی استان تهران در دومین فصل بررسی و کاوش خود ، نظریه اهمیت و موقعیت استثنایی پیش از تاریخ و تاریخی منطقه

۴ - ر . ک . صفحه ۶۹ ری باستان

۵ - Memoirs XII

۶ - Hrouda, B. Vorele Rosiems - I, Munchen 1970

شروع نمود:

- ۱ - شناسایی گورستان بزرگ یا (شهر مردگان) ری که مقبره بی‌بی شهربانو جزئی از آن است.
- ۲ - مطالعه محدوده شهر ری باستان برای تجدید یافت قدیمی شهر و پیدا کردن آثار موجود.
- ۳ - مطالعه شهر ری فعلی، از طرفی برای بهتر شناختن معماری ایران در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی و از جهت دیگر برای تطبیق یک طرح بازسازی و بهسازی آثار باستانی با احتیاجات و ضروریات یک زندگی نو در یک شهر جدید.

ری به ویژه در قرون اولیه اسلامی، کار بررسی و مطالعه خود را از این منطقه آغاز کرده است. این توجه نه تنها به این سبب بوده است، بلکه بیشتر از آن جهت است که سالهاست توجه چندانی از لحاظ پژوهشهای علمی در این منطقه برای شناسایی تمدنهای آن انجام نگرفته است و علاوه بر آن عدم شروع این پژوهشها کم‌کم باعث از بین رفتن آن - به طوریکه در مقدمه اشاره شد - گردیده بود و همه آن دلایل باعث شده که جهت جلوگیری از تخریب بیشتر این آثار و یا از بین رفتن این مدارک ارزنده علمی هر چه زودتر کاوشهای باستانشناسی در آنها آغاز گردد.

قبلاً "بایستی اشاره شود که به کار بردن "شهر مردگان" به حای گورستان یا قبرستان به دو علت است: نخست آنکه قبرستان یا گورستان به محلی اطلاق می‌شود که مرده را در خاک به ترتیبی مطابق، یا شبیه دستورات ادیان یهودیان، مسیحیان، یا مسلمانان دفن کنند، حال آنکه در ری آثار زردشتی نیز هست و قسمتی از بناهای اسلامی به مقدار زیاد تحت تأثیر آداب زردشتی قرار گرفته. دوم آنکه وسعت عادی و معمولی قبرستانها هیچگاه به اندازه فضای مورد بحث در اینجا نیست. به نظر اینجانب نام "شهر مردگان" همان ترجمه نکرولپس Necropolic یونانی است.

در مورد بهسازی و بازسازی مجموعه بی‌بی شهربانو - با در نظر گرفتن حفظ بافت باستانی و بناهای تاریخی و همچنین موقعیت جغرافیایی منطقه مذکور - وزارت فرهنگ و هنر و مرکز باستانشناسی ایران

مطالعات گذشته خود را دنبال کردند و نیز یک سلسله تلاشهای علمی جدید را در برنامه خویش قرارداد. این آغازی بود برای حفاظت محیط طبیعی کوه نگاره خانه و آثار آن برای جلوگیری از صدماتی که صاحبان معادن سنگ و کارخانجات مختلف در سالهای گذشته به آن وارد آورده بودند. هیأت اعزامی اساس کار خود را در سه مرحله



## موقعیت کوه بی‌بی شهربانو

در دامنه کوههای پست و محدودی که از سلسله جبال البرز به شکلی پراکنده و مجزا در دشت جنوبی تهران قرار دارند ، بر خلاف کوههای شمال پایتخت و شمیران که دارای دره‌های ژرف و شیپی تند می‌باشند ، نه تنها عمقی بسیار ندارد بلکه در اغلب موارد نامحسوس است . اما این کوههای کوتاه و جدا شده با شیب کم و ملایم از رشته اصلی منشعب شده و با آن هم آهنگی داشته و اکثراً " به دشت می‌پیوندند . این کوهها و دامنه‌های آن در حقیقت حد نهای رسته جبال شمالی البرز در جنوب محسوب می‌شوند .

از جمله دامنه این کوههای پراکنده ، دامنه کوهستان " ری " یا کوهستانی که در شیب ملایم آن بقعه " بی‌بی شهربانو " بنا شده ، می‌باشد که فاصله آن تا کارخانه سیمان ری حدود ۵۰۰ متر و در کنار جاده شوسه معروف که از سیمان ری به سیمان تهران متصل می‌گردد ، قرار دارد . این تپه که می‌توان آن را زاویه جنوب شرقی تهران و گوشه شمال غربی شهر ری دانست ، از زمانی بدان کوه بی‌بی شهربانو اطلاق گردید که بقعه شهربانو دختر یزدگرد سوم و همسر امام حسین (ع) و مادر امام چهارم در آنجا ساخته شد . چون این بنا و تاریخچه آن مکرر مورد مطالعه قرار گرفته (۷) لذا در مورد

آن در اینجا سخن نخواهد رفت .

## دامنه شمالی کوه بی‌بی شهربانو

تا به حال اثری باستانی در قسمت شرقی این دامنه ملاحظه نشده ولی قسمت مرکزی آن اختصاص به مردگان زردشتیان داشته و می‌دانیم که زردشتیان احساد مردگان خود را در " برجهای خاموشی " می‌گذاشتند و باز بین رفتن گوشت کالبد مرده ، استخوانهای آنرا در استودان قرار می‌دادند . در این ناحیه تا به حال استودان دیده نشده ولی برج خاموشی معروفی (دخمه گبرها یا برج‌گیری) در این قسمت ، در فاصله ۲۲۵۰ متری شمال بقعه بی‌بی شهربانو واقع شده و ظاهراً استودانهای شناخته شده در باختر این برج ، یعنی در غربی‌ترین قسمت دامنه جنوبی کوه صفائیه ، قرار گرفته بوده است . (۸)

## دامنه جنوبی کوه بی‌بی شهربانو

محدوده بزرگ :

اکنون تا اینجا می‌توان بی‌برد که شرقی‌ترین بنای این دامنه همان بقعه بی‌بی شهربانو است و غربی‌ترین قسمت آنرا می‌توان امامزاده عبدالله شهر ری دانست ، آثار واقع در دامنه کوه سرسره حد شمالی این محدوده را تشکیل می‌دهد و مقبره حضرت عبدالعظیم (ع) جنوبی‌ترین مرز آنست . در حقیقت در حال حاضر می‌توان محدوده کوچکتر

(کهنه گورستان) را - همانطور که خواهد آمد - مرز اصلی قسمت اصلی شهر مردگان دانست؛ زیرا که در غرب و جنوب غربی این حد (یعنی شمال و شمال شرقی مقبره حضرت عبدالعظیم) حالت شهری برحالت قبرستانی برتری دارد و آرامگاهها، از جمله برج طغرل، امامزاده عبدالله، ابن بابویه و بقعه جوانمرد قصاب به صورت فضایی پراکنده در حد فاصل محدوده بزرگ تعیین شده، به چشم می‌خورند.

در این قسمت پس از یک بررسی دقیق بر رویهم ۱۱۸ اثر باستانی نزدیک به هم ملاحظه شده که یا قبلاً از روی عکس هوایی شناسایی شده بود و یا در هنگام جستجوی محلی در سطح خاک داخل قنوات و یا برشهای طبیعی به نظر رسیده. آثار مزبور از نقطه نظر معماری دارای ارزش متفاوت است ولی هنوز به طور قطع در این مورد نمی‌توان اظهار نظر کرد.

### محدوده کوچکتر:

(کهنه گورستان اسلامی یا قسمت اسلامی شهر مردگان) چون تا به حال این فضای وسیع مورد مطالعه قرار نگرفته بود و اصولاً یکپارچگی آن تا کنون از نظر پنهان مانده بود، ناگزیر مجموعه نیز نامی نداشت. اما در اینجا برای شناسایی محل لازم بود به اسمی خوانده شود لذا نام "کهنه گورستان" برای آن انتخاب شد و چنانچه در آینده نام باستانی مورد نظر از میان متون بیرون آید تجدید نظر خواهد شد. در حال حاضر "کهنه گورستان" محدود است از: شرق به بقعه بی بی شهربانو و آثار برج آرامگاهی و تپه گبری، از غرب به باروی ری، از شمال به دامنه جنوبی "کوه سرسره" و "کوه صفائیه" و از جنوب به نه‌های آب و مزارع واقع در انتهای شیب تند دامنه جنوبی کوه بی بی شهربانو.

### کیفیت ساختمانی

#### آثار ساختمانی ویژه مردگان

از بررسیهایی که سالها پیش، به ویژه در سال گذشته قبل از کاوش انجام شده است و همچنین پس از دو فصل کاوش می‌توان گفت که در حال حاضر چهار نوع ساختمان قبور اسلامی در این قسمت وجود دارد:

الف - گورهای ساده (فاقد مقبره)

ب - برجهای آرامگاهی بنا شده بر روی نقشه گرد یا مشتق از آن (چند بر).

ج - بناهای چهار گوش (مربع مستطیل).

د - مقابری نظیر بی بی شهربانو که به مرور الحاقاتی به آنها اضافه شده است.

#### الف - گورهای ساده:

این قبور به صورت انفرادی و تقریباً در حد



فاصل برجها قرار گرفته‌اند و متأسفانه در داخل آنها هیچگونه اثر تابوت و یا اسکلت پیدا نشد، زیرا که قبلاً توسط حفاران غیر مجاز بهم ریخته و غارت شده است. اکثراً دارای طاق گهواره‌یی شکل می‌باشند.

### ویژگیهای بنا :

طول داخلی ۱/۹۵ متر

عرض داخلی ۰/۵۸ متر

بلندی تازیر تیزه طاق ۱/۱۴ متر

بلندی دیواره ۰/۸۵ متر

اندازه آجرها ۱۷×۱۹/۵ تا ۱۹×۱۹/۵ تا ۳/۲ تا ۳ سانتیمتر

قبر به صورت یک اطاق مربع مستطیل (۱/۹۵×۰/۵۸ متر)

ساخته شده بود و کف آن ظاهراً "مشکل از

یک لایه دوغاب خاک رس و شن است.

ب - برج‌های آرامگاهی بنا شده بر روی نقشه گرد

یا مشتق از آن (چندبر)

### برج ۱

این برج بر روی یک پی دایره‌یی شکل به قطر

۱۵ متر که از پاره سنگ و قلوه سنگ محلی ساخته

شده و ملاط آن گچ است، قرار گرفته. ضخامت آن

مابین ۲۳ سانتیمتر در شمال و ۴۰ سانتیمتر در شرق

است و ولی ممکن است در بعضی نقاط بیشتر نیز بشود.

چون اضلاع بنا در بیرون (پانزده ضلع)

بیشتر از داخل (۸ ضلع) است، در نتیجه ضخامت

دیوار ثابت نمی‌ماند و هنگامیکه در مقابل گوشه‌های هشت ضلعی به حد اقل می‌رسد معمار با اضافه کردن یک بر آنرا استحکام داده و به ۲۲۶ سانتیمتر می‌رساند. بنای برج در کمال دقت ساخته شده و همیشه تعداد آجر در داخل پره و داخل اضلاع ثابت می‌ماند. رج آجرها بر روی طرحی گرد گذاشته شده است. از رج دوم بنا ۱۵ ضلعی می‌شود. تنها در قسمت جنوبی برج ۵ رج آجر از پی بنا باقی مانده است.

مشکل بتوان نمای برج را کاملاً مشخص کرد

ولی در حال حاضر می‌توان نمای آنرا شکلی مابین

برج گنبد قابوس و برج طغرل حدس زد. همانند دو

نمونه برج ذکر شده، تماماً "از آجر (۱۷۷×۱۷۷×۳۰

سانتیمتر) ساخته شده و از ملاط گچ استفاده گردیده

است. این برج دارای ۹ گور می‌باشد که مشخصات

آنها به ترتیب عبارتند از :

گورهای ۱ و ۲ که مهم‌ترین گورهای این بنا

هستند. این دو قبر فضای وسط متمایل به جنوب

داخل مزار را می‌پوشانده و مقابل در، که رو به

شمال باز می‌شده واقع است. روی آنها سنگ قبر و

شاید ضریحی از گچ وجود داشته که اکنون اثرش

(۲۷۷×۲۸۲ میلی‌متر) بر روی گچ باقی است.

### ویژگیهای ساختمان :

طول داخلی ۲۵۹ سانتیمتر

عرض داخلی ۲۵۹ سانتیمتر

بلندی زیر تیزه طاق ۸۲ سانتیمتر

بلندی دیواره ۴۵۰ سانتیمتر

اندازه آجرها ۱۸۰×۱۸۰×۳۰ میلیمتر .

این دو قبر حالت اطاقک دارد .

### گور شماره ۳

حالت اطاقکی این قبر بسیار است . هم از

نظر حجم و هم از آن جهت که دیواره‌های آن

عمودی قرار گرفته و ضلع شرقی آن زیاد کوچکتر

از ضلع غربی آن نیست .

### ویژگیهای ساختمانی :

طول ضلع شمالی

طول ضلع جنوبی

عرض ضلع غربی

عرض ضلع شرقی

بلندی زیر تیزه طاق

بلندی دیواره

اندازه آجرها ۳۵ تا ۳۰×۲۵×۳۰ تا ۲۰۵×۱۹۵×۲۰۵ میلیمتر

طاق آن گهواره‌ای می‌باشد .

### گور شماره ۴

گوریست متمایز از سایر قبرها . در زیر اطاقک

این گور راهرویی ساخته شده بود که احتمالاً " از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رفت . این راهرو بسیار تنگ ساخته شده و عریض شدن اضلاع شمالی و جنوبی آن در غرب بدون رعایت قواعد هندسی انجام گرفته است . این راهرو بسیار ساده می‌باشد .

### ویژگیهای ساختمانی

طول ۲۵۰ سانتیمتر

عرض ضلع شرقی ۴۶ سانتیمتر

عرض ضلع غربی ۶۶ سانتیمتر

بلندی از زیر تیزه طاق ۱۰۰ سانتیمتر

بلندی دیواره ۷۷/۵ سانتیمتر

اندازه آجرها ۱۸۰×۱۸۰×۳۰ میلیمتر

### گور شماره ۵

از نوع قبور خوب است با تناسبهای هندسی

دیواره‌های این گور هم به طور مایل ساخته شده است .

۲۱۴/۵ سانتیمتر

۲۰۷/۵ سانتیمتر

۱۰۰ سانتیمتر

۹۴ سانتیمتر

۱۰۸ سانتیمتر

۶۳ سانتیمتر

اندازه آجرها ۳۵ تا ۳۰×۲۵×۳۰ تا ۲۰۵×۱۹۵×۲۰۵ میلیمتر

طاق آن گهواره‌ای می‌باشد .

۷- ر. ک. مصطفوی، بقعه بی‌بی شهربانو، گزارش

باستانشناسی، جلد ۳ ص ۲۵۳ - ۳۰۵ - کرمان،

ری باستان، جلد ۱ ص ۴۱۶ - کرمان، آثار بازمانده

از ری قدیم، ص ۱۸۴ - ۱۷۸

۸ - ر. ک. حسین کرمان، آثار بازمانده از ری

قدیم، ص ۱۷۳ - ۱۷۷

### ویژگیهای ساختمانی :

اضلاع دوزنقه‌قاعده  $۶۳ \times ۵ \times ۲۲۲ \times ۲۲۲$  سانتیمتر  
 اضلاع دوزنقه‌رأس  $۶۳ \times ۶۰ \times ۲۲۳/۵ \times ۲۲۵/۵$  سانتیمتر  
 ارتفاع از زیر تیزه‌طاق ۱۴۴ سانتیمتر  
 ارتفاع دیواره‌ها ۹۵ سانتیمتر

### ویژگیهای ساختمانی :

اندازه دوزنقه‌رأس  $۶۰ \times ۶۲ \times ۲۱۳ \times ۲۱۱$  سانتیمتر  
 اندازه دوزنقه‌قاعده  $۶۴ \times ۷۱ \times ۲۱۸ \times ۲۲۰$  سانتیمتر  
 ارتفاع از زیر تیزه‌طاق ۱۲۷ سانتیمتر  
 ارتفاع دیواره‌ها ۶۷ سانتیمتر  
 اندازه آجرها  $۳۰ \times ۱۸۵$  تا  $۱۸۰ \times ۱۸۵$  تا  $۱۸۰$  میلیمتر

### گور شماره ۸

این گور نیز مانند گور شماره ۳ می‌باشد.

### گور شماره ۶

حجم فضای داخل گور شماره ۶ همانند گور شماره ۳ است ولی از نظر ساختمانی به آن استحکام نیست و چهار دیواره آن تیغه است. ضلع غربی اطاق طویل‌تر از ضلع شرقی آنست. انحنای طاق گهواره‌ای قمرنیز، بر عکس انحنای طاق سایر قبور بسیار کم است.

### ویژگیهای ساختمانی :

اندازه‌های دوزنقه‌قاعده  $۵/۵ \times ۸۱/۵ \times ۸۴/۵ \times ۲۰۳$  سانتیمتر  
 ارتفاع از زیر تیزه‌طاق ۱۱۹ سانتیمتر  
 ارتفاع دیواره‌ها ۶۳/۵ سانتیمتر  
 اندازه آجرها  $۳۰ \times ۱۸۵ \times ۱۷۵$  میلیمتر

### ویژگیهای ساختمانی :

طول اضلاع  $۱۰۱ \times ۱۳۲ \times ۲۴۵ \times ۲۵۴$  سانتیمتر  
 ارتفاع از زیر تیزه‌طاق ۱۲۲ سانتیمتر  
 ارتفاع دیواره‌ها ۷۸ سانتیمتر  
 اندازه آجرها  $۳۰$  تا  $۲۵ \times ۲۰۰$  تا  $۱۹۰ \times ۲۰۰$  تا  $۱۹۰$  میلیمتر.

### گور شماره ۹

این گور چنان ویران گردیده است که جز آثار بی‌و کف آن اثر دیگری باقی نمانده و ظاهراً از نوع گورهای شماره ۵ و ۷ می‌باشد. علاوه بر مشخصاتی که ذکر گردید، بایستی به این نکته نیز اشاره کرد که این برج دارای یک دیوار خشتی عظیم بوده که دورتا دور برج قرار گرفته بوده و به‌طور مدور می‌باشد. خشت‌ها دارای دو اندازه متفاوت می‌باشد. البته همانگونه که در

### گور شماره ۷

این گور همانند گور شماره ۵ و بسیار شبیه آن می‌باشد.





عکس شماره ۱ یک نشان می دهد بعضی قسمتهای دیوار از بین رفته است .

نتیجه تحقیقات به دست آمده از برج شماره ۱ یک آنقدر زیاد است که نمی توان از هم اکنون به طور قطع نتیجه گیری کرد ولی می توان اطمینان داشت که این برج آرامگاهی یکی از بهترین و کاملترین برحهای زمان خود بوده و احتمالاً "به شخص مهمی تعلق داشته است . بنا دارای کتیبه یی به خط کوفی بوده که در گچ کنده شده بوده که متأسفانه جز چند تکه کوچک آن چیزی به دست نیامده است . چنانچه خط کوفی آنرا با انواع قبور به دست آمده هم زمان در نظر بگیریم ، می توان این برج آرامگاهی را به طور موقت به قرن یازدهم میلادی نسبت دهیم . با تردید بیشتری ممکن است آنرا متعلق به نیمه اول همان سده بدانیم .

## برج ۲

این برج نیز به صورت کثیرالاضلاع منظم هشت ضلعی می باشد و یک دیوار مدور از خشت و شفته آنرا محصور نموده است . هر یک از اضلاع این کثیرالاضلاع  $3/15$  متر است . کف یک پارچه گچی آن به قطر ۹ الی ۱۳ سانتیمتر دارای ۴ لایه اندود شده می باشد . بلندی سطح داخلی برج از اولین ردیف دیواره خارجی برج در شمال ۱۸ سانتیمتر و در جنوب ۴۵ سانتیمتر است که بدین وسیله

اختلاف ارتفاع ناشی از شیب طبیعی تپه از بین برده شده است .

## وضعیت خارجی برج :

طرح خارجی برج نیز هشت ضلعی بوده و ساختمان اصلی بنا عبارت است از دیواره های آجری به ضخامت ۱۰۲ سانتیمتر که از پنج ردیف آجرهایی به ابعاد  $18 \times 18 \times 2/6$  سانتیمتر بر روی یک شالوده شفته یی بنا شده است .

ملاط بین آجرها گچ و به ضخامت ۲ سانتیمتر است . اندازه بعضی اضلاع خارجی برج متفاوت بوده و دارای اندازه های زیر می باشد :  $3/85$  ،  $3/80$  ،  $3/90$  ،  $4/10$  ،  $4/4$  ،  $4/3$  و اندازه بقیه اضلاع چون از بین رفته مشخص نیست .

در رأس و ضلع و میانه آن پایه های آجری است که بر روی آن ستونهای تزئینی استوار می شد . این پایه ها تقریباً "مشکل از ۴ آجر در قسمت طول و ۳ آجر و نیم در جهت عرضی است .

دیواره مدور خشتی که برج را محصور می کند به قطر  $19/70$  متر در قسمت شمالی جنوبی و شرقی غربی است و ساختمان برج با اختلاف کمی تقریباً در مرکز دایره واقع است .

فونداسیون دیوار شفته سفت و مقاومی است که به طور یکسان ریخته نشده و ارتفاع آن به نسبت پستی و بلندی زمین متفاوت است . حداقل ارتفاع

شسته در جهت جنوب شرقی ۸ سانتیمتر و حداکثر آن در شمال شرقی ۳۲ سانتیمتر است. دیوار مذکور تماما "ازخشتهایی به ابعاد  $۷ \times ۳۳ \times ۳۳$  سانتیمتر ساخته شده و ملاطین آنها  $۱/۵$  الی  $۲$  سانتیمتر ضخامت دارد. روی خشتها را نیز با گل اندود نموده اند که قطر آن در حدود  $۲/۵$  سانتیمتر است. بلندترین ارتفاع باقیمانده از دیوار خشتی مدور ۸۵ سانتیمتر در جهت جنوب شرقی می باشد. ضخامت دیوار بین ۱۰۴ الی ۱۲۰ سانتیمتر است. در ضلع جنوبی دیوار خشتی اطاقی قرار دارد که تقریباً "به شکل مربع مستطیل می باشد یا ابعاد  $۳/۳۳ \times ۴$  متر که احتمالاً "اطاق نگهبان برج بوده و از سمت شمال به حیاط برج راه داشته .

### وضعیت قبور در داخل برج :

تعداد ۱۵ قبر در این قسمت به دست آمد که متأسفانه به کرات توسط حفاران غیر مجاز گاوش شده است. قبور با اختلاف جزئی همه در یک سطح بنا شده اند و با اینکه فرم کلی آنها تقریباً "یکسان است اما در تعدادی از آنها عناصر دیگری از معماری وجود دارد که آنها را از بقیه "قبور متمایز می کند. در بیشتر قبور اجساد در میان کفن پیچیده شده و سپس در داخل تابوت چوبی قرار گرفته که متأسفانه کفن مردگان در اثر بهم ریختگی قبور پوسیده و از بین رفته است .

تابوتها را در داخل قبور که قبلاً " با آجر و گچ درست شده قرار می دادند. احتمال می رود ساختن محوطه‌یی برای گذاشتن تابوت در میان مقبره دنباله سنت آلوده نکردن خاک باشد که ایرانیان از دیرباز هنگام تدفین مردگان رعایت می کردند. از این رو معلوم می شود که فتح اعراب احتمالاً "باعث فراموش شدن اکثر و یا تمام عقاید و سنتها و مراسمی که مردم این دیار به آن معتقد بوده اند نشده و آنان حداقل در سالهای اولیه "قبول دین اسلام در تلفیق سنتهای خود با دستورات اسلامی گامی برداشته اند .

جهات تدفین به طور کلی شرقی غربی است و روزه طرف قبله ( جنوب ) می باشد. بدینصورت که سر در جنبه "غربی و پا در جنبه "شرقی است و این نوع تدفین کاملاً " اسلامی است .

قبوری که در این قسمت به دست آمد دارای دو پوشش بوده که پوشش اول از آجر و گاه از خشت به صورت افقی و طاقی ساخته شده است. طاق اکثر این قبور غربی می باشد. کف قبور گاه آجر فرش بوده و در بعضی موارد در زیر تابوت در قسمت بالا، وسط و پایین دو ردیف آجر کار گذاشته اند و سپس تابوت را بر روی آن قرار داده اند . در بعضی قبور دیده شد که علاوه بر کف آجر فرش یک لایه ذغال پوشانده اند که از رطوبت جلوگیری نماید . به نظر



می‌رسد همه این احتیاط‌ها برای جلوگیری از نفوذ رطوبت و سالم نگهداشتن احسا در برای مدت بیشتری بوده است .

همانطور که گفته شد به علت کافی نبودن مدارک و شواهد در فصول اولیه کاوش انتساب این قبور به دوره خاص امری است مشکل ، ولی در مورد سابقه تاریخی منطقه مورد کاوش با توجه به بقایای ساختمانی مقابری که در کوه بزرگ‌ری ، کوه "نقاره‌خانه" و "تپه گبری" باقیمانده و همچنین کف‌های نفیسی که در اثر حفاری غیر مجاز در سالهای ۱۳۹۸ در اطراف کوه نقاره‌خانه و تپه‌گیری به دست آمد (۹) شاید بتوان قدمت آنها را به زمان دیلمیان نسبت داد و با توجه به نوشته مورخین و محققین که مقابر کوه نقاره‌خانه و دامنه آن را مربوط به دیلمیان دانسته ، چنانکه گفته شده است که : "آل بویه مقابر بزرگان شان را بر بالای کوه و آنان را که دارای اعتبار کمتری بوده‌اند در دامنه کوه ساخته‌اند و بر روی آن اطاقهای کوچکی که دارای تزئینات گچ‌بری است بنا کرده‌اند" (۱۰) ، شاید بتوان نتیجه گرفت که احتمالاً بزرگان آل بویه نیز در این مکان مدفونند .

### قبر شماره یک

این قبر در ضلع شمالی برج واقع شده و ساختمان آن به شکل چهار ضلعی نامنظم به ابعاد

زیر است :

طول ضلع خارجی ۲/۷۴ سانتیمتر

طول ضلع داخلی ۲/۵۸ سانتیمتر

عرض ضلع خارجی ۸۵ سانتیمتر

عرض ضلع داخلی غربی ۷۴ سانتیمتر

عرض ضلع داخلی شرقی ۴۲ سانتیمتر

ارتفاع قبر از کف داخلی برج تا سقف قبر ۱۴۰ سانتیمتر .

### قبر شماره ۲

قبر شماره ۲۰ تقریباً در مرکز برج واقع شده و سطح خارجی آن حدود ۷ سانتیمتر کبودتر از کف داخلی برج است . ساختمان آن به شکل مستطیل و به ابعاد ۶/۶۹ × ۸۷ متر است . اسکلت در تابوت چوبی و مستقیماً بر روی خاک گذاشته شده است .

### قبر شماره ۳

از نظر معماری قبور در این برج قبر شماره ۳ می‌تواند یک نمونه نسبتاً خوب باشد . به نظر می‌رسد که این قبر از نخستین قبور ساخته شده در

۹ - مجله هنر و مردم شماره ۱۱۶ ، سپری در هنر

ایران و دیگر سرزمینهای اسلامی ، نوشته دکتر پرویز

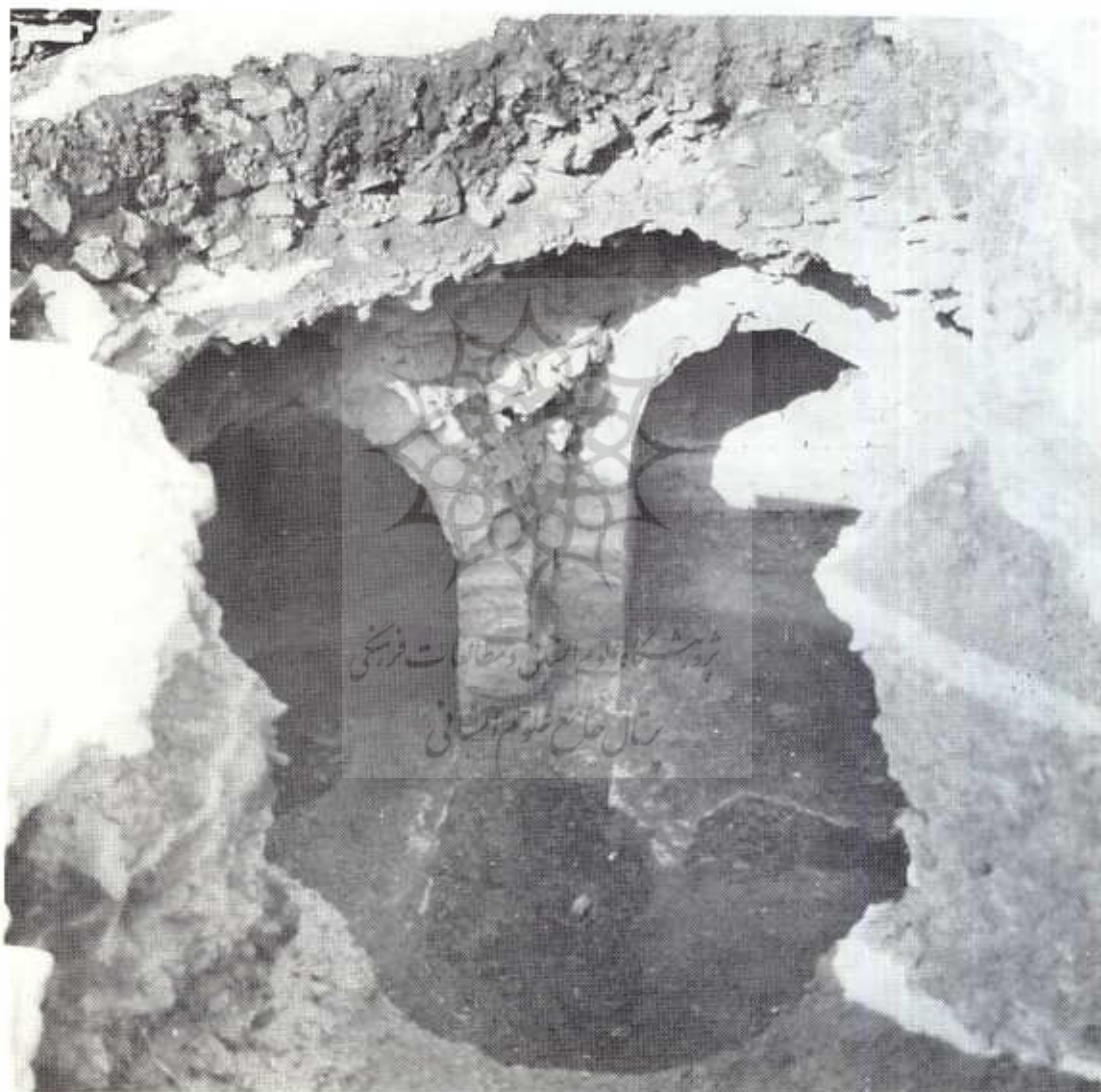
ورجاوند ، ص ۷

۱۰ - گزارشهای باستانشناسی ، جلد سوم ، نوشته

آقای مصطفوی

نمونه‌یی از برج‌های مکشوفه و قبور آن





پروفسور شمس‌الدین محمد علی‌زاده  
رساله جامع علوم اسلامی



این برج است به جهت درست روبروی در ورودی قرار گرفته و دارای اطاقک کوچکی به شکل چهار ضلعی نامنظمی به ابعاد  $۵۰ \times ۸۴ \times ۴۸ / ۲$  متر است. ضخامت دیوارهای اطاق نیم آجر است که با ملاط گچ محکم شده است. کف قبر آجر فرش بوده و ملاط بین آجرها گچی و به ضخامت  $۱ / ۵$  سانتیمتر است. سقف این قبر احتمالا دارای طاق ضربی بوده و دلیل آن اثر کوچکی است که در دیواره شرقی باقی مانده. عمق قبر  $۱۳۷$  سانتیمتر می باشد.

#### قبر شماره ۴

قبر مذکور در ضلع شمال غربی برج واقع شده و ساختمان آن اطاقک نامنظمی به ابعاد  $۱ / ۳۳ \times ۱ / ۰۶۱ \times ۲ \times ۲۳$  متر است. دیواره و کف آن گچی و در ضلع غربی روی دیوار تزئینی به صورت طاقچه دارد. در ضلع شرقی اینحناء و فرورفتگی به صورت زاویه قائمه پیدا کرده است. عمق کلی قبر  $۱۳۳$  سانتیمتر بوده و سقف آن مسطح است.

#### قبر شماره ۵

قبر شماره ۵ به موازات قبر شماره ۴ در ضلع غربی برج واقع شده و احتمالا متعلق به کودک خردسالی است. طول قبر  $۱۲۲$  سانتیمتر، عرض آن  $۲۸$  سانتیمتر و عمق آن  $۱۳۳$  سانتیمتر می باشد.

#### قبر شماره ۶

این قبر در میان خاک طبیعی کنده شده و ساختمان آن چهار ضلعی نامنظمی به ابعاد زیر است:

طول ضلع خارجی	۲ / ۵۵ متر
طول ضلع داخلی	۲ / ۴۱ متر
عرض ضلع خارجی	۸۷ سانتیمتر
عرض ضلع داخلی	۶۵ سانتیمتر

قبر فاقد ساختمان بوده و تابوت مستقیما روی خاک گذاشته شده. عمق قبر از سطح برج  $۱۸۰$  سانتیمتر است. سقف قبر افقی بوده و با خشت پوشانده شده است.

#### قبر شماره ۷

ساختمان قبر به صورت چهار ضلعی نامنظمی به ابعاد  $۶۸ \times ۵۸ \times ۵۱ / ۲$  متر است. دیوارهای داخلی قبر از آجر به ابعاد  $۴ \times ۲۰ \times ۲۰$  سانتیمتر ساخته شده و ملاط بین آجرها از گچ می باشد. اسکلت درون تابوت قرار گرفته است. طول اسکلت  $۱۸۶$  سانتیمتر، طول تابوت  $۲ / ۲۰$  متر و عرض آن در قسمت سر  $۴۳$  سانتیمتر و در قسمت پاها  $۲۷$  سانتیمتر می باشد. عمق قبر  $۱۳۷$  سانتیمتر می باشد.

#### قبر شماره ۸

کف این قبر در جنوب شرقی کف داخلی

برج قرار دارد که در خارج دارای قاب‌سازی با تزئین پلکان است و حدود ۱۸ سانتیمتر از کف گچی برج بلندتر است. ساختمان آن به صورت چهار ضلعی نامنظم به ابعاد  $۶۲ \times ۱۰۵ \times ۵۲/۲$  سانتیمتر بوده و سقف داخلی آن با طاق گهواره‌یی پوشیده شده بود.

#### قبر شماره ۹

در ضلع شرقی برج قرار گرفته و ساختمان آن چهار ضلعی نامنظمی به ابعاد زیر است:

طول داخلی	۲۵۲ سانتیمتر
طول خارجی	۲۵۷ سانتیمتر
عرض داخلی	۵۰ سانتیمتر
عرض خارجی	۴۹ سانتیمتر

سقف قبر افقی بوده و با چهار آجر به ابعاد  $۵۲ \times ۵۲ \times ۵$  سانتیمتر پوشیده شده بود.

#### قبر شماره ۱۰

احتمالاً " این قبر نیز متعلق به کودکی بوده و در نزدیکی در ورودی مقبره دفن شده. ساختمان آن بسیار ساده و معمولی است. سقف قبر افقی و به وسیله خشت پوشانده شده. ابعاد آن عبارتند از:

طول ضلع خارجی	۱۱۰ سانتیمتر
عرض ضلع خارجی	۵۴ سانتیمتر

طول ضلع داخلی ۱۱۵ سانتیمتر

عرض ضلع داخلی ۳۶ سانتیمتر

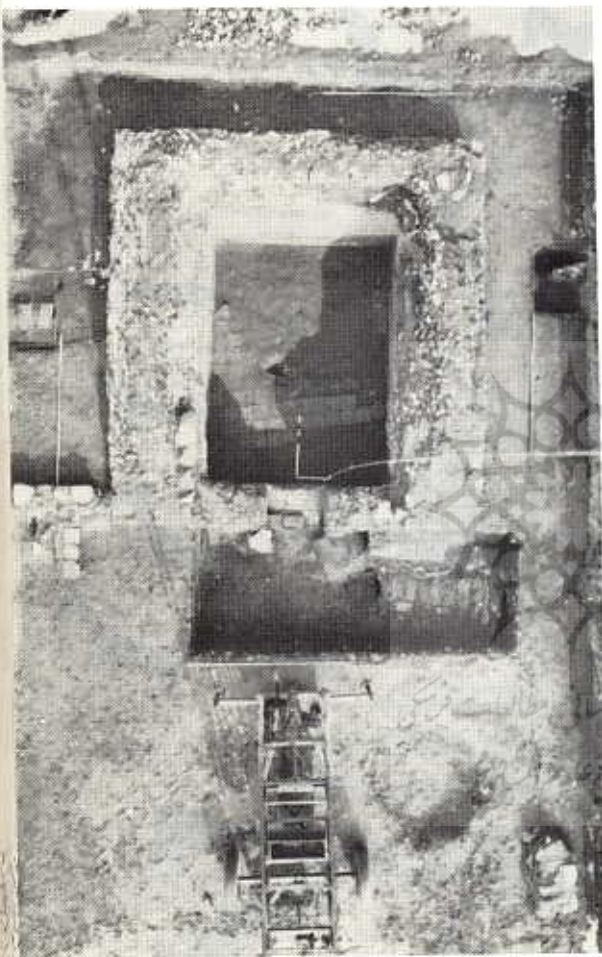
به طور کلی طرز تدفین در تمام قبور شرقی-غربی است و سر به طرف قبله می‌باشد. در اکثر این قبور علاوه بر اینکه اسکلت را در داخل تابوت می‌گذاشته‌اند، کف قبر را نیز با اندودی از ذغال مفروش می‌کردند تا کمتر رطوبت نفوذ کند.

برج آرامگاهی چهار گوش ( مربع یا مربع مستطیل ) این برج بر اساس نقشه‌یی نزدیک به مربع بنا شده و اندازه اضلاع آن  $۴۶۸ \times ۴۶۸ \times ۴۹۷ \times ۴۹۷$  سانتیمتر است. بدین ترتیب طول آن فقط ۲۹ سانتیمتر از عرض آن بیشتر است.

تقریباً " تمام بنا با قلوه سنگ ساخته شده. نحوه ساختمان به این ترتیب بوده که قلوه سنگ و ملاط را در قالبی که در محل مورد نظر نصب شده بود ریخته و پس از سفت شدن ملاط قالب را جدا کرده و رج جدیدی در بالای آن می‌ریختند. در نقاطی که به نظر سازنده احتیاج به استحکام بیشتری داشت، پاره سنگ نیز به کار برده شده و در قسمتی از نمای ساختمان که جنبه زینتی دارد، از آجر استفاده شده است. ساختمان این بنا شامل دو طبقه بوده:

یک زیر زمین و یک اتاق که بر روی زبرزمین

## نمونه‌یی از برج‌های مکشوفه و قبور آن



قرار می‌گرفته . شاید به‌توان فرض کرد که زیرزمین در حقیقت خود قبر بوده و حالت "اطاکی" را داشته با تاکیدی بیشتر از آنچه که تا به حال در مورد سایر گورها دیده شده . جسد در داخل تابوت و در میان این اطاقک زیرزمینی قرار می‌گرفته . بعدها هنگامیکه الحاقات دیگری به بنا اضافه شد ، کف زیر زمین آن نیز برای قراردادن قبرهای جدیدی که سنن اسلامی را بیشتر رعایت می‌کردند شکافته گردید . زیرزمین هیچگاه یک محل رفت و آمد نبوده است . در ورودی زیرزمین در حقیقت یک دریچه کوچک است که توسط پاره سنگ و آجر فاقد ملاط مسدود شده . این بنا دارای تزیینات کاشی و آجر بوده که متأسفانه به غیر از چند قطعه کوچک از آن چیزی باقی نمانده است . در قسمت جلوی بنا در دوره‌های بعد ایوانی به آن اضافه گردیده است و همچنین در دوره‌های بعد قسمت‌هایی از ایوان و ضلع جنوب شرقی در ورودی نیز مورد استفاده قرار گرفته و قبوری در اطراف آن کنده‌اند . در مورد نمای کلی بنا نمی‌توان به‌طور قطع اظهار نظر کرد ولی در متون اروپایی قرن ۱۹ میلادی به حالت برجی این بناها ، بدون ذکر ارتفاع آنها ، اشاره شده . ممکن است تزیینات آجری بنا نیز متعلق به دوره دوم بنا باشد ، یعنی هنگامیکه " ایوان " و کف آجری جدید ساخته شده است .